



Research Paper

An Analysis of Mehdi Akhavan-Sales's Poem "The Eighth Feast" Based on Van Dijk's Discourse Analysis Theory

Faezeh Arabyousefabaadi

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Zabol, Zabol, Iran. (Corresponding Author). (famoarab@uoz.ac.ir)

Arash Mehraban

Master's Degree Holder, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Zabol, Iran. (arashmehraban.lite@gmail.com)



10.22034/lda.2025.143355.1039

Received:

January, 07,
2025

Accepted:

February, 15,
2025

**Available
online:**

March, 15,
2025

Keywords:

*Discourse
Analysis, Van
Dijk, Ikhwan al-
Saleh (Akhavan
Sales), King
John VIII,
Social
Criticism.*

Abstract

This study employs Van Dijk's critical discourse analysis approach to examine Mehdi Akhavan-Sales's poem The Eighth Feast. Through the metaphorical representation of Rostam's death, the poem deconstructs dominant discursive structures and critiques prevailing power relations and ideologies. Van Dijk's theoretical framework, focusing on the interaction between language, social cognition, and the reproduction of dominance, facilitates an analysis of how dominant and resistant discourses are constructed in the text. The research method is qualitative and grounded in critical discourse analysis, investigating linguistic, rhetorical, and semiotic mechanisms to explore the processes of ideological representation and power relations. Findings of the study indicate that Akhavan-Sales, by employing mythological intertextuality, stylistic devices, and binary oppositions, creates a multilayered poem where language functions as a tool both for reproducing and resisting ideological discourses. The poem's characters, including Rostam, transcend narrative elements to symbolize betrayal and loyalty, challenging structures of domination. Moreover, the results show that Akhavan-Sales leverages discursive capacities to elevate the poem beyond a mere mythological narrative, transforming it into a critical text with complex ideological implications that encourage readers to reconsider social order and power relations.



مقاله پژوهشی

بررسی شعر خوان هشتم اخوان ثالث بر مبنای نظریه تحلیل گفتمان ون دایک

فائزه عرب یوسف آبادی (نویسنده مسؤول)

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل، زابل، ایران.

(famoarab@uoz.ac.ir)

آرش مهربان

کارشناس ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، زابل، ایران.

(arashmehraban.lite@gmail.com)



10.22034/ida.2025.143355.1039

چکیده

این پژوهش با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی ون دایک به بررسی شعر «خوان هشتم» مهدی اخوان ثالث می‌پردازد. این اثر با بازنمایی مرگ رستم در بستری استعاری، به واسازی ساختارهای گفتمانی مسلط پرداخته و به نقد مناسبات قدرت و ایدئولوژی حاکم می‌پردازد. چارچوب نظری ون دایک، با تمرکز بر تعامل میان زبان، شناخت اجتماعی و بازتولید سلطه، امکان تحلیل چگونگی شکل‌گیری گفتمان‌های مسلط و مقاومت را در این متن فراهم می‌آورد. روش پژوهش، کیفی و مبتنی بر تحلیل گفتمان انتقادی است که با بررسی سازوکارهای زبانی، بلاغی و نشانه‌شناختی، فرایند بازنمایی ایدئولوژی و مناسبات قدرت را واکاوی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اخوان ثالث با بهره‌گیری از بینامتنیت اسطوره‌ای، شگردهای سبکی و تقابل‌های دوگانه، شعری چندلایه خلق کرده که در آن، زبان به مثابه ابزاری برای بازتولید و مقاومت در برابر گفتمان‌های ایدئولوژیک عمل می‌کند. شخصیت‌های شعر، از جمله رستم، فراتر از عناصر روایی، به‌عنوان نمادهایی از خیانت و وفاداری بازنمایی شده‌اند و ساختارهای سلطه را به چالش می‌کشند. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که اخوان ثالث با بهره‌گیری از ظرفیت‌های گفتمانی، شعر را از سطح یک روایت اسطوره‌ای فراتر برده و آن را به متنی انتقادی با دلالت‌های ایدئولوژیک پیچیده تبدیل کرده است که مخاطب را به بازاندیشی در نظم اجتماعی و مناسبات قدرت وامی‌دارد.

استناد: رحمانی فرد، فاطمه و اکرم هراتیان (۱۴۰۳). «بررسی شعر خوان هشتم اخوان ثالث بر مبنای نظریه تحلیل گفتمان ون دایک»، نشریه تحلیل گفتمان ادبی، ۲ (۴)، ۴۱-۵۶.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۰/۱۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۱۱/۲۷

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۱۲/۲۵

واژه‌های کلیدی:

تحلیل گفتمان، ون دایک، اخوان ثالث، خوان هشتم، نقد اجتماعی.

۱. مقدمه و بیان مسأله

شعر «خوان هشتم» اثر مهدی اخوان ثالث یکی از نمونه‌های برجسته ادبیات معاصر ایران است که به روایت مرگ رستم، قهرمان اساطیری ایران می‌پردازد. این شعر با استفاده از عناصر نقلی و زبانی شاعرانه، به بررسی مضامین انسانی، اجتماعی و سیاسی جامعه زمان خود می‌پردازد. اخوان ثالث در این شعر با آگاهی از تاریخ و فرهنگ ایرانی، شخصیت‌هایی را به تصویر می‌کشد که در بستر یک روایت حماسی، به نقد و تحلیل وضعیت اجتماعی و سیاسی جامعه می‌پردازند. در واقع، این اثر به‌عنوان یک متن ادبی، نه تنها به روایت قهرمانی می‌پردازد بلکه ابعاد عمیق‌تری از واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی را نیز منعکس می‌کند. اخوان ثالث در این شعر با استناد به داستان‌های کهن ایرانی و ساختار نقلی، فضایی خلق می‌کند که مخاطب را به درون دنیای اسطوره‌ای می‌برد. در این راستا، محمد حقوقی در کتاب خود بیان می‌کند که «شعر اخوان ثالث به‌ویژه در آثارش به بازتاب احساسات انسانی و چالش‌های اجتماعی توجه دارد» (حقوقی، ۱۳۸۹: ۱۰۲). این نکته در شعر اخوان ثالث به‌خوبی نمایان است؛ زیرا نقال نه تنها قصه را روایت می‌کند بلکه به تفسیر و تحلیل آنچه بر سر رستم می‌آید نیز می‌پردازد.

برای تحلیل این شعر از نظریه تحلیل گفتمان ون دایک استفاده می‌شود. ون دایک (Van Dijk) یکی از نظریه‌پردازان برجسته در زمینه تحلیل گفتمان است که به بررسی روابط میان زبان و قدرت و همچنین نقش زبان در شکل‌دهی به واقعیت‌های اجتماعی می‌پردازد. او بر این باور است که «زبان به‌عنوان ابزاری برای ساخت و بازتولید ایدئولوژی و قدرت عمل می‌کند» (Van Dijk, 1993: 254).

انتخاب نظریه تحلیل گفتمان ون دیک به‌عنوان رویکرد اصلی این پژوهش، به دلیل قابلیت آن در تحلیل روابط اجتماعی، فرهنگی و زبانی در متن است. این نظریه به ما اجازه می‌دهد تا به بررسی تأثیرات زبانی و فرهنگی بر فهم و تفسیر متن‌ها بپردازیم. بر اساس نظریه تحلیل گفتمان، «زبان نه تنها وسیله‌ای برای بیان افکار و احساسات است، بلکه به نوعی ابزاری برای تحکیم یا تضعیف روابط قدرت در جامعه به شمار می‌رود» (فرکلاف، ۱۳۹۶: ۸۸). بنابراین، تحلیل گفتمان شعر «خوان هشتم» به ما این امکان را می‌دهد که به شناخت عمیق‌تری از زبان و ساختارهای اجتماعی موجود در این شعر دست یابیم. سؤال پژوهش این است: چگونه مؤلفه‌های گفتمانی در شعر «خوان هشتم» به تصویر کشیده شده‌اند و چه پیوندی با واقعیت‌های اجتماعی آن دوران دارند؟ هدف این پژوهش شناسایی و تحلیل مضامین اجتماعی، سیاسی و انسانی در شعر و بررسی نقش ساختار زبانی در

انتقال این مضامین به مخاطب است. روش پژوهش، تحلیل متن بر اساس نظریه تحلیل گفتمان ون دایک خواهد بود. فرضیه پژوهش بر این اساس است که ساختار گفتمانی شعر به گونه ای است که بازتاب دهنده واقعیت های اجتماعی و تاریخی زمان شاعر است.

۲. پیشینه پژوهش

زرقانی، سیدمهدی (۱۳۸۲) در مقاله ای با عنوان «اخوان ثالث در آیینۀ آثارش» به بررسی تطور شخصیت شاعری اخوان ثالث پرداخته است. در این مقاله مراحل مختلف شعری اخوان تحلیل و به تأثیرات اجتماعی و سیاسی بر آثارش توجه شده است. «شخصیت اخوان ثالث در آثارش با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی زمانه شکل می گیرد» (زرقانی، ۱۳۸۲: ۲۰-۱). این دیدگاه نشان می دهد که آثار اخوان ثالث به عنوان بازتاب دهنده واقعیات اجتماعی عمل می کنند و در بستر تاریخی خاصی قرار دارند. محمدزاده، اسدالله (۱۳۸۷) در مقاله ای به نام «خوان هشتم: بررسی شعری از اخوان ثالث» به تحلیل شعر «خوان هشتم» پرداخته و نمادها، مختصات زبانی و نحوی آن را بررسی می کند. «این شعر به خوبی نشان دهنده چالش های انسانی و اجتماعی است» (محمدزاده، ۱۳۸۷: ۲۸-۲۴). تحلیل های او در این زمینه می تواند به درک بهتر از مضامین اجتماعی و انسانی در شعر «خوان هشتم» کمک کند. دلاویز، مسعود (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان «نگاهی به عناصر زبانی و فکری اشعار نیمایی اخوان ثالث در کتاب های زمستان، آخر شاهنامه، از این اوستا» به بررسی ویژگی های زبانی و فکری شعرهای نیمایی اخوان می پردازد. «استفاده از زبان و تصویر در شعر اخوان ثالث همواره برای انتقال احساسات عمیق و نقد اجتماعی به کار رفته است» (دلاویز، ۱۳۹۱: ۱۰۶-۱۱۳). این تحلیل می تواند مبنای خوبی برای بررسی ساختار شعر «خوان هشتم» باشد. رحمانی زاده دهکردی، حمیدرضا و نجفی حاجی ور، سهیلا (۱۳۹۵) در مقاله ای به نام «اخوان ثالث، فرخی یزدی، بیداری، ادبیات مشروطه، و وطن دوستی» به مقایسه اخوان ثالث با فرخی یزدی از منظر بیداری اجتماعی و وطن دوستی در بستر ادبیات مشروطه می پردازند. «اخوان ثالث در شعرهای خود به ابعاد اجتماعی و ملی توجه ویژه ای دارد» (رحمانی زاده دهکردی و نجفی حاجی ور، ۱۳۹۵: ۶۴-۳۷). این موضوع، نشان دهنده تعهد اجتماعی و سیاسی اخوان ثالث در آثارش است و می تواند به تحلیل عمیق تری از شعر «خوان هشتم» منجر شود. این مقاله نه تنها به تحلیل زبانی و بلاغی متن می پردازد بلکه با استفاده از نظریه های تحلیل گفتمان، به بررسی پیوندهای عمیق میان زبان و واقعیت های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زمان شاعر می پردازد و تلاش می کند تا تصویری جامع و عمیق از اندیشه ها و احساسات شاعر را ارائه دهد.

۳. تحلیل شعر خوان هشتم اخوان ثالث بر مبنای نظریه ون دایک

۳-۱. فضا سازی و نمادگرایی در شعر «خوان هشتم»

شعر «خوان هشتم» اثر مهدی اخوان ثالث، به عنوان یکی از مهم ترین آثار ادبیات معاصر ایران، با استفاده از فضا سازی و نمادگرایی عمیق، به تجسم احساسات و چالش های انسانی می پردازد. این شعر به روایت مرگ رستم، قهرمان اساطیری ایران، می پردازد و با خلق فضاهای مختلف، به نقد و بررسی واقعیت های اجتماعی و فرهنگی زمان شاعر می پردازد. در این بخش به تحلیل فضا سازی و نمادگرایی در شعر «خوان هشتم» بر مبنای نظریه تحلیل گفتمان ون دایک خواهیم پرداخت.

۳-۱-۱. فضا سازی

فضا سازی در شعر «خوان هشتم» به گونه ای طراحی شده است که احساسات و وضعیت روحی شخصیت ها را به تصویر بکشد. اخوان ثالث با دقت و ظرافت، فضای سرد و بی رحم دی را توصیف می کند: «داشتم می گفتم آن شب نیز، سورت سرمای دی بیداده می کرد» (اخوان ثالث، ۱۳۹۶: ۹). این توصیف نه تنها به احساس سردی و تنهایی رستم اشاره دارد، بلکه به شرایط سخت اجتماعی و فرهنگی جامعه آن زمان نیز باز می گردد. سرمای دی به عنوان یک نماد، نمایانگر چالش ها و مشکلاتی است که رستم و دیگر شخصیت ها با آن مواجه هستند. این فضا سازی به مخاطب این احساس را منتقل می کند که رستم در دنیای پر از درد و رنج زندگی می کند. این احساس یأس و ناامیدی به وضوح در توصیف فضای سرد و بی رحم نمایان است. ون دایک در تحلیل های خود به اهمیت فضا در درک روابط اجتماعی اشاره می کند و بیان می کند که «فضا می تواند به عنوان یک مؤلفه کلیدی در تحلیل گفتمان مورد توجه قرار گیرد» (Van Dijk, 1998: 45). در این راستا، فضای سرد و بیداد در شعر اخوان ثالث، نماد جامعه ای است که در آن قهرمانان در برابر ظلم و بی عدالتی قرار دارند.

در مقابل، اخوان ثالث به توصیف قهوه خانه به عنوان فضایی گرم و روشن می پردازد: «قهوه خانه، گرم و روشن بود، همچون شرم» (اخوان ثالث، ۱۳۹۶: ۱۲). این توصیف، نشان دهنده تضاد میان فضای سرد بیرون و گرم داخل قهوه خانه است. قهوه خانه به عنوان نمادی از همبستگی اجتماعی و آرامش در برابر مشکلات، احساس آسایش و دوستی را در خود جای داده است. تضاد میان فضای سرد و گرم به روشنی نمایانگر دو دنیای مختلف است: دنیای بیرونی که مملو از مشکلات و چالش هاست و دنیای داخلی که نماد امید و همبستگی است. این امر نه تنها به ایجاد تنش در روایت کمک می کند بلکه در تحلیل گفتمان، این

فضاها می‌توانند به‌عنوان ابزارهایی برای بازنمایی روابط اجتماعی و فرهنگی عمل کنند. در این راستا، می‌توان گفت که قهوه‌خانه، نمایانگر امید و پناهگاهی در برابر سختی‌هاست. فضا سازی در شعر اخوان ثالث به‌خوبی نشان‌دهنده تعاملات انسانی و چالش‌های اجتماعی است که در آن دوران وجود داشته‌اند. شاعر با استفاده از زبان شاعرانه و بلاغی، توانسته است احساسات و چالش‌های انسانی را به تصویر بکشد و با ایجاد فضایی عمیق و معنادار، مخاطب را به تأمل در مورد واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی زمان خود وادار کند.

۳-۱-۲. نمادگرایی

نمادگرایی در شعر «خوان هشتم» یکی دیگر از ابزارهای کلیدی است که اخوان ثالث برای انتقال معانی عمیق و پیچیده به کار می‌برد. نمادها در این شعر به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که به مخاطب این امکان را می‌دهند تا با خواندن و تحلیل آن‌ها، به درک عمیق‌تری از مضامین اجتماعی و فرهنگی دست یابد. قهوه‌خانه به‌عنوان یک نماد اجتماعی عمل می‌کند که به‌طور مستقیم به شرایط اجتماعی و فرهنگی آن دوران اشاره دارد. در این راستا، ون دایک اشاره می‌کند که «زبان می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای بیان هنجارها و ایدئولوژی‌های اجتماعی عمل کند» (Van Dijk, 1995: 203). به همین ترتیب، قهوه‌خانه در شعر اخوان ثالث نمایانگر تعاملات انسانی و چالش‌های اجتماعی است که در آن دوران وجود داشته‌اند. این نماد به مخاطب نشان می‌دهد که چگونه قهرمانان می‌توانند در فضایی امن و گرم، همبستگی و دوستی را تجربه کنند. شخصیت‌ها نیز به‌عنوان نمادهایی از واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی عمل می‌کنند. رستم به‌عنوان نماد قهرمانی و شجاعت، نمایانگر آرمان‌های ملی و فرهنگی ایرانیان است. اخوان ثالث او را به‌گونه‌ای توصیف می‌کند که نشان‌دهنده تلاش او برای حفظ هویت و ارزش‌های ایرانی است. این نمادگرایی نه‌تنها به‌طور مستقیم به رستم اشاره دارد، بلکه به‌نوعی به تاریخ و فرهنگ ایران نیز ارتباط دارد. شغاد به‌عنوان نماد خیانت و شرارت، نمایانگر چالش‌ها و موانع در برابر آرمان‌های رستم است. این شخصیت نه‌تنها به‌عنوان نمادی از خیانت، بلکه به‌عنوان نمادی از مشکلات اجتماعی و فرهنگی نیز به تصویر کشیده می‌شود. اخوان ثالث در اینجا به‌خوبی از نمادها برای بیان تضادها و تنش‌های اجتماعی استفاده می‌کند و این امر به تحلیل عمیق‌تری از شعر «خوان هشتم» منجر می‌شود. در مجموع، فضا سازی و نمادگرایی در شعر «خوان هشتم» به‌طور مؤثری به درک عمیق‌تر از مضامین اجتماعی و انسانی کمک می‌کند. این دو عنصر نه‌تنها به ایجاد حس و حال داستان کمک می‌کنند بلکه به‌عنوان ابزارهایی برای نقد اجتماعی و فرهنگی نیز به کار می‌روند. اخوان ثالث با استفاده از زبان شاعرانه و بلاغی،

توانسته است احساسات و چالش‌های انسانی را به تصویر بکشد و با ایجاد فضایی عمیق و معنادار، مخاطب را به تأمل در مورد واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی زمان خود وادار کند. این شعر با توجه به دقت در فضا سازی و نمادگرایی، به عنوان یک اثر ادبی غنی، می‌تواند به ما کمک کند تا روابط میان زبان، قدرت و واقعیت‌های اجتماعی را به خوبی درک کنیم و به تحلیل دقیق‌تری از مضامین انسانی و اجتماعی موجود در آن بپردازیم. اخوان ثالث با استفاده از این ابزارها، توانسته است فضایی ایجاد کند که در آن قهرمانان نه تنها با چالش‌های بیرونی بلکه با چالش‌های درونی خود نیز مواجه می‌شوند.

۳-۲. شخصیت‌ها و تضادها در شعر «خوان هشتم»

شعر «خوان هشتم» مهدی اخوان ثالث به خوبی نمایانگر دوگانگی خیر و شر از طریق شخصیت‌های آن است. رستم به عنوان قهرمان ملی و شجاع به عنوان نماد خیانت و شرارت، در این شعر به وضوح در مقابل یکدیگر قرار دارند. این تضاد میان شخصیت‌ها، نه تنها به درک بهتر از داستان کمک می‌کند، بلکه به تأملات اجتماعی و فرهنگی نیز دامن می‌زند. اخوان ثالث با توصیف‌های دقیق و بلاغی، توانسته است این شخصیت‌ها را به گونه‌ای به تصویر بکشد که نمادهایی از ارزش‌ها و چالش‌های اجتماعی باشند.

۳-۲-۱. رستم: قهرمان ملی

رستم، شخصیت اصلی این شعر، به عنوان نماد قهرمانی و شجاعت در ادبیات فارسی شناخته می‌شود. اخوان ثالث با توصیف رستم به عنوان «آری اکنون شیر ایرانشهر، تهمتن گرد سجستانی» (اخوان ثالث، ۱۳۹۶: ۵)، نه تنها به عظمت و قدرت او اشاره می‌کند، بلکه او را به عنوان قهرمانی که در برابر مشکلات می‌ایستد، معرفی می‌کند. این توصیف، رستم را به عنوان شخصیتی والا و الهام‌بخش معرفی می‌کند که همواره در تلاش است تا از هویت و آرمان‌های ایرانی دفاع کند. شخصیت رستم در این شعر، نمایانگر آرمان‌های ملی و فرهنگی ایران است. او نه تنها یک قهرمان جنگی، بلکه نماد ارزش‌ها و هنجارهایی است که در جامعه ایرانی مهم هستند. در واقع، رستم، تجلی‌گر احساسات ملی و فرهنگ ایرانی است که در مقابل چالش‌ها و دشمنی‌ها ایستادگی می‌کند. به عنوان مثال، رستم در شرایط سخت و بی‌رحم قرار دارد؛ اما با این حال، عزت و شجاعت خود را حفظ می‌کند و هرگز تسلیم نمی‌شود.

در نظریه تحلیل گفتمان ون دایک، شخصیت‌ها می‌توانند به عنوان نمادهایی از ایدئولوژی‌های اجتماعی عمل کنند (VanDijk, 1995: 203). در این شعر، رستم به عنوان نماینده ایدئولوژی قهرمانی و شجاعت معرفی می‌شود و به مخاطب این پیام را منتقل می‌کند که حتی در برابر بزرگ‌ترین چالش‌ها، انسان باید به آرمان‌های خود پایبند باشد.

۳-۲-۲. شغاد: نماد خیانت و شرارت

در مقابل، شغاد به عنوان نماد خیانت و شرارت در شعر «خوان هشتم» معرفی می شود. او نه تنها به عنوان یک شخصیت منفی، بلکه به عنوان نماینده چالش های اجتماعی و فرهنگی نیز به تصویر کشیده می شود. اخوان ثالث در توصیف شغاد می نویسد: «هان، شغاد! اما» (اخوان ثالث، ۱۳۹۶: ۱۰). این جمله به خوبی تضاد میان رستم و شغاد را نمایان می سازد و نشان می دهد که چگونه خیانت و شرارت می تواند بر قهرمانی و عظمت تأثیر بگذارد.

شغاد، به عنوان برادر ناتنی رستم، نه تنها نمایانگر چالش های داخلی و خانوادگی است، بلکه نماد خیانت در خانواده و جامعه نیز به حساب می آید. او به رستم خیانت می کند و او را در چاه گرفتار می کند. این عمل شغاد، نشان دهنده ضعف های انسانی و اجتماعی است که می تواند در هر جامعه ای وجود داشته باشد. خیانت شغاد به عنوان یک عمل ناجوانمردانه، نه تنها به رستم آسیب می زند، بلکه به جامعه ای که او نماینده اش است نیز آسیب می زند. اخوان ثالث با تصویرسازی شخصیت شغاد، به خوبی نشان می دهد که چگونه خیانت می تواند ریشه های عمیق در روابط انسانی داشته باشد. در واقع، شغاد نه تنها نماد خیانت، بلکه نماد مشکلات اجتماعی و فرهنگی نیز به شمار می آید. او با عمل خود به مخاطب یادآوری می کند که در کنار قهرمانان، همیشه خطراتی وجود دارند که می توانند از درون خانواده و جامعه نشأت بگیرند.

۳-۲-۳. تضاد بین شخصیت ها

تضاد میان رستم و شغاد به عنوان نمادهای خیر و شر، به طور واضح در شعر «خوان هشتم» نمایان است. این تضاد نه تنها به شکل گیری تنش در روایت کمک می کند، بلکه به تحلیل عمیق تری از روابط انسانی و اجتماعی نیز می انجامد. اخوان ثالث با استفاده از این دو شخصیت، به مخاطب این امکان را می دهد که به تفکر در مورد موضوعاتی مانند وفاداری، خیانت و چالش های انسانی بپردازد. تضاد بین این دو شخصیت، به ویژه در شرایطی که رستم در چاه گرفتار می شود، به اوج می رسد. در اینجا، رستم به عنوان قهرمان، در حالی که در برابر دشمنی خیانتکار قرار دارد، با بحران هویت و احساس تنهایی روبه رو می شود. این وضعیت، نمایانگر چالش های عمیق تری است که هر انسانی ممکن است در طول زندگی خود با آن ها مواجه شود. ون دایک اشاره می کند که «شخصیت ها می توانند نمایانگر ایدئولوژی های اجتماعی و فرهنگی باشند» (Van Dijk, 1998: 45). به این ترتیب، رستم و شغاد به عنوان نمادهای دوگانگی انسانی و اجتماعی عمل می کنند.

۳-۳. مضامین اجتماعی و انتقادی در شعر «خوان هشتم»

شعر «خوان هشتم» مهدی اخوان ثالث، به عنوان یک متن ادبی، نه تنها داستان مرگ رستم را روایت می‌کند، بلکه به نقد عمیق و موشکافانه‌ای از واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی زمان خود نیز می‌پردازد. در این شعر، اخوان ثالث با استفاده از زبان شاعرانه و تصاویری تأثیرگذار، به بیان چالش‌ها و مشکلات اجتماعی، سیاسی و انسانی پرداخته و به مخاطب این امکان را می‌دهد تا به تفکر در مورد مسائل جدی و بنیادین جامعه بپردازد. این بخش به بررسی مضامین اجتماعی و انتقادی در شعر «خوان هشتم» خواهد پرداخت.

۳-۳-۱. نقد اجتماعی

شعر «خوان هشتم» به وضوح به نقد وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی در زمانه اخوان ثالث می‌پردازد. شاعر با اشاره به مشکلات و چالش‌های موجود، سعی دارد تا احساس ناامیدی و یأس را در خواننده ایجاد کند. به عنوان مثال، اخوان ثالث در قسمتی از شعر می‌نویسد: «این گل آذین باغ جادو، نقش خواب‌آلود قالی نیست» (اخوان ثالث، ۱۳۹۶: ۹). این جمله به خوبی نشان‌دهنده واقعیت‌هایی است که در آن زیبایی و آرمان‌خواهی به چالش کشیده می‌شود. اخوان ثالث با این توصیف به مخاطب می‌گوید که آنچه در سطح به نظر زیبا و خوشایند می‌رسد، در واقع، سطحی و فریبنده است. این امر، نمایانگر واقعیت‌های تلخی است که در دل جامعه وجود دارد. در واقع، گل آذین باغ می‌تواند نمادی از آرزوها و آرمان‌های مردمی باشد که تحت تأثیر واقعیت‌های ناخوشایند و تلخ قرار گرفته‌اند. به این ترتیب، شاعر با استفاده از زبان و تصویر، به نقد اجتماعی عمیق‌تری می‌پردازد و مخاطب را به تأمل در مورد واقعیت‌های تلخ اجتماعی و فرهنگی وادار می‌کند. ون دایک در تحلیل گفتمان به این نکته اشاره می‌کند که «زبان و واقعیت‌های اجتماعی همواره در تعامل هستند و این تعامل می‌تواند به شکل‌گیری واقعیت‌های جدید منجر شود» (Van Dijk, 2001: 85). این واقعیت در شعر اخوان ثالث به خوبی نمایان است. شاعر با استفاده از زبان شاعرانه و بلاغی، واقعیت‌های تلخ اجتماعی را به تصویر می‌کشد و به مخاطب این امکان را می‌دهد تا درک عمیق‌تری از مشکلات و چالش‌های اجتماعی پیدا کند.

۳-۳-۲. انتقاد فرهنگی

به جز نقد اجتماعی، شعر «خوان هشتم» به نقد فرهنگی نیز می‌پردازد. اخوان ثالث با نگاهی انتقادی به فرهنگ و هنجارهای اجتماعی زمانه خود، به ویژه در زمینه وفاداری و خیانت، موضوعاتی را مطرح می‌کند که هنوز هم در جوامع امروزی اهمیت دارند. او با

استفاده از شخصیت شغاد به عنوان نماد خیانت، نشان می‌دهد که چگونه خیانت و ناپایداری می‌تواند بر روابط انسانی تأثیر بگذارد. او در توصیف شغاد می‌نویسد: «هان، شغاد! اما» (اخوان ثالث، ۱۳۹۶: ۱۰). این جمله به خوبی تضاد میان وفاداری و خیانت را نمایان می‌سازد و به مخاطب این احساس را منتقل می‌کند که خیانت نه تنها یک عمل فردی، بلکه نتیجه روابط اجتماعی و فرهنگی است. اخوان ثالث با به تصویر کشیدن خیانت شغاد، به مخاطب یادآوری می‌کند که در کنار قهرمانان، همیشه خطراتی وجود دارند که می‌توانند از درون خانواده و جامعه نشأت بگیرند. در واقع، شغاد نه تنها نمایانگر خیانت در روابط خانوادگی است، بلکه به عنوان نمادی از مشکلات اجتماعی و فرهنگی نیز به تصویر کشیده می‌شود. این انتقاد فرهنگی به مخاطب این امکان را می‌دهد که به طور عمیق‌تری به مسائلی مانند وفاداری، اعتماد و چالش‌های اجتماعی بپردازد.

۳-۳-۳. چالش‌های انسانی

شعر «خوان هشتم» همچنین به بررسی چالش‌های انسانی می‌پردازد. اخوان ثالث با توصیف وضعیت رستم در چاه، به تصویر تنهایی و یأس او می‌پردازد. رستم، که در چاه گرفتار شده است، نمایانگر انسانی است که در برابر چالش‌ها و مشکلات قرار دارد و تلاش می‌کند تا از آن‌ها عبور کند. اخوان ثالث به خوبی این وضعیت را به تصویر می‌کشد و احساسات درونی رستم را نمایان می‌سازد. او در توصیف رستم می‌نویسد: «پهلوان هفت خوان، اکنون طعمه دام و دهان خوان هشتم بود» (اخوان ثالث، ۱۳۹۶: ۱۱). این توصیف به خوبی نشان‌دهنده چالش‌های انسانی است که رستم با آن‌ها مواجه است. این وضعیت، نمایانگر چالش‌های عمیق‌تری است که هر انسانی ممکن است در طول زندگی خود با آن‌ها مواجه شود. اخوان ثالث با این توصیف، به مخاطب این پیام را منتقل می‌کند که حتی بزرگ‌ترین قهرمانان نیز در برابر مشکلات و چالش‌ها آسیب‌پذیرند. به همین دلیل، شعر «خوان هشتم» نه تنها یک روایت اسطوره‌ای است، بلکه به بررسی عمیق‌تری از ابعاد انسانی نیز می‌پردازد. ون دایک به این نکته اشاره می‌کند که «شخصیت‌ها در متون ادبی می‌توانند نمایانگر تجربیات انسانی و چالش‌های اجتماعی باشند» (Van Dijk, 1998: 45). این موضوع در شعر اخوان ثالث به خوبی نمایان است. رستم و شغاد به عنوان نمادهای دوگانگی انسانی و اجتماعی عمل می‌کنند و به مخاطب این امکان را می‌دهند که به بررسی چالش‌های انسانی و اجتماعی بپردازند.

۳-۴. تحلیل زبانی و بلاغی در شعر «خوان هشتم»

شعر «خوان هشتم» نه تنها به بازگویی داستان مرگ رستم می‌پردازد، بلکه از زبانی غنی و تصاویری عمیق برای بیان احساسات، چالش‌ها و واقعیت‌های اجتماعی بهره می‌برد. در این

بخش، به تحلیل زبانی و بلاغی این شعر می‌پردازیم و نشان می‌دهیم که چگونه اخوان ثالث با استفاده از زبان و تکنیک‌های بلاغی، به انتقال معانی عمیق و نقد اجتماعی می‌پردازد.

۳-۴-۱. زبان شاعرانه و تصویرسازی

اخوان ثالث در شعر «خوان هشتم» از زبان شاعرانه‌ای استفاده می‌کند که به خوبی احساسات و عواطف شخصیت‌ها را به تصویر می‌کشد. یکی از ویژگی‌های بارز این شعر، تصویرسازی‌های غنی و زنده است که به مخاطب، این امکان را می‌دهد که به عمق احساسات شخصیت‌ها پی ببرد. به عنوان مثال، اخوان ثالث در توصیف فضای سرد و بی‌رحم می‌نویسد: «داشتم می‌گفتم آن شب نیز، سورت سرمای دی بیدادها می‌کرد» (اخوان ثالث، ۱۳۹۶: ۹). این توصیف به خوبی نشان‌دهنده سردی و تنهایی رستم است و احساس یأس و ناامیدی را به مخاطب منتقل می‌کند.

در اینجا، شاعر با استفاده از توصیف‌های دقیق، نه تنها به وضعیت جوی اشاره می‌کند، بلکه به وضعیت روحی رستم نیز پرداخته و احساسات درونی او را به تصویر می‌کشد. این تصویرسازی، فضایی سرد و تاریک را به وجود می‌آورد که احساس تنهایی و در عین حال، چالش‌های انسانی را نمایان می‌سازد. به علاوه، زبان شاعرانه اخوان ثالث به گونه‌ای است که با استفاده از تشبیه و استعاره، به غنای متن می‌افزاید. به عنوان مثال، او قهوه‌خانه را به عنوان فضایی گرم و امن توصیف می‌کند: «قهوه‌خانه گرم و روشن بود، همچون شرم» (اخوان ثالث، ۱۳۹۶: ۱۲). این توصیف نشان‌دهنده تضاد میان فضای سرد بیرون و گرم داخل قهوه‌خانه است و به نوعی احساس آسایش و همبستگی را به مخاطب منتقل می‌کند.

۳-۴-۲. بازی‌های زبانی

بازی‌های زبانی یکی دیگر از تکنیک‌های بلاغی است که اخوان ثالث در شعر «خوان هشتم» به خوبی از آن بهره می‌برد. او با استفاده از زبان به گونه‌ای خلاقانه، به بیان احساسات و افکار شخصیت‌ها می‌پردازد. این بازی‌های زبانی به خصوص در تضادهای معنایی و واژگانی مشهود است که به عمق موضوعات و معانی کمک می‌کند. به عنوان مثال، در شعر او، استفاده از واژه‌ها و عبارات متضاد به خوبی احساسات و چالش‌های انسانی را به تصویر می‌کشد. رستم به عنوان قهرمان و شجاع به عنوان خیانتکار در برابر هم قرار می‌گیرند. این تضاد میان شخصیت‌ها و واژه‌های مرتبط با آن‌ها به ایجاد تنش در روایت کمک می‌کند. اخوان ثالث با استفاده از بازی‌های زبانی، به مخاطب این امکان را می‌دهد که به طور عمیق‌تری به معانی و مضامین موجود در شعر پی ببرد.

۳-۴-۳. بلاغت و فنون ادبی

اخوان ثالث با استفاده از فنون بلاغی مانند تشبیه، استعاره و تکرار، به غنای شعر خود افزوده و احساسات عمیق‌تری را منتقل می‌کند. به عنوان مثال، او در توصیف رستم می‌نویسد: «آری اکنون شیر ایرانشهر، تهمتن گرد سجستانی» (اخوان ثالث، ۱۳۹۶: ۵). این توصیف نه تنها به قدرت و شکوه رستم اشاره دارد، بلکه او را به عنوان یک قهرمان ملی و نماینده آرمان‌های ایرانی معرفی می‌کند. استفاده از تشبیه در اینجا به مخاطب کمک می‌کند تا قدرت رستم را با تصویری روشن‌تر و ملموس‌تر در ذهن خود ایجاد کند. این فنون بلاغی به خوبی احساسات انسانی را به تصویر می‌کشند و به مخاطب این امکان را می‌دهند که به طور عمیق‌تری به چالش‌ها و دردهای شخصیت‌ها پی ببرد. شغاد نیز به عنوان نماد خیانت در این شعر به تصویر کشیده می‌شود. اخوان ثالث در توصیف او می‌نویسد: «هان، شغاد! اما» (همان: ۱۰). این جمله، نشان‌دهنده تضاد میان رستم و شغاد است و به مخاطب یادآوری می‌کند که خیانت نه تنها یک عمل فردی، بلکه نتیجه روابط اجتماعی و فرهنگی است. این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه شخصیت‌ها در شعر اخوان ثالث به عنوان نماینده‌های ایدئولوژی‌های اجتماعی عمل می‌کنند و به مخاطب این امکان را می‌دهند که به تأمل در مورد روابط انسانی و اجتماعی بپردازد.

۳-۴-۴. زبان و قدرت

۵۲

در تحلیل گفتمان، زبان به عنوان ابزاری برای تولید و بازتولید قدرت عمل می‌کند. ون دایک به این نکته اشاره می‌کند که «زبان نه تنها وسیله‌ای برای بیان افکار و احساسات است، بلکه ابزاری برای تولید و بازتولید قدرت در جامعه نیز هست» (Van Dijk, 1993: 254). در شعر «خوان هشتم»، اخوان ثالث با استفاده از زبان شاعرانه و بلاغی، به نقد وضعیت اجتماعی و فرهنگی پرداخته و به مخاطب این امکان را می‌دهد که به تفکر در مورد واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی بپردازد. شعر «خوان هشتم» به ویژه با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی زمانه اخوان ثالث، به خوبی نمایانگر تأثیرات اجتماعی و فرهنگی بر شخصیت‌ها و روایت است. شخصیت رستم به عنوان نماینده قدرت و شجاعت، در برابر چالش‌ها قرار دارد و این تضاد میان قدرت و ضعف به طور واضح در شعر اخوان ثالث نمایان می‌شود. به این ترتیب، می‌توان گفت که شعر اخوان ثالث نه تنها یک اثر ادبی، بلکه یک متن اجتماعی و فرهنگی نیز به شمار می‌آید که می‌تواند به عنوان نقطه عطفی در ادبیات معاصر ایران تلقی شود.

۳-۵. تحلیل اجتماعی و سیاسی در شعر «خوان هشتم»

شعر «خوان هشتم» مهدی اخوان ثالث، با روایت مرگ رستم، نه تنها به بازگویی داستانی اسطوره‌ای می‌پردازد، بلکه به ابعاد اجتماعی و سیاسی جامعه ایرانی در زمانه خود نیز توجه

خاصی دارد. اخوان ثالث با استفاده از زبان شاعرانه و تصاویری عمیق، به نقد وضعیت اجتماعی و سیاسی پرداخته و مضامین انسانی و اجتماعی را به‌دقت به تصویر می‌کشد. در این بخش به تحلیل مضامین اجتماعی و سیاسی شعر «خوان هشتم» خواهیم پرداخت و به بررسی چالش‌ها و واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی زمانه شاعر خواهیم پرداخت.

۳-۵-۱. نقد وضعیت اجتماعی

شعر «خوان هشتم» به‌وضوح به نقد وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران در زمانه اخوان ثالث می‌پردازد. شاعر با اشاره به مشکلات و چالش‌های موجود در جامعه، سعی دارد تا احساس ناامیدی و یأس را در خواننده ایجاد کند. به‌عنوان مثال، اخوان ثالث در توصیف فضای سرد و تاریک می‌نویسد: «این گل آذین باغ جادو، نقش خواب‌آلود قالی نیست» (اخوان ثالث، ۱۳۹۶: ۹). این جمله به‌خوبی نشان‌دهنده واقعیت‌هایی است که در آن، زیبایی و آرمان‌خواهی به چالش کشیده می‌شود. این بیان، به مخاطب یادآوری می‌کند که آنچه در ظاهر، زیبا و خوشایند به‌نظر می‌رسد، در واقع، سطحی و فریبنده است. اخوان ثالث با این توصیف به نقد نظام اجتماعی و فرهنگی‌ای می‌پردازد که تحت تأثیر واقعیت‌های تلخ و ناخوشایند قرار دارد. به‌عبارتی، گل آذین باغ می‌تواند نمادی از آرزوها و آرمان‌های مردمی باشد که در برابر مشکلات و چالش‌های زندگی با ناکامی مواجه هستند. این نوع نقد اجتماعی به‌خصوص در تحلیل گفتمان ون دایک قابل توجه است. او به این نکته اشاره می‌کند که «زبان و واقعیت‌های اجتماعی همواره در تعامل هستند و این تعامل می‌تواند به شکل‌گیری واقعیت‌های جدید منجر شود» (Van Dijk, 2001: 85). این موضوع در شعر اخوان ثالث به‌خوبی نمایان است. شاعر با استفاده از زبان شاعرانه و بلاغی، واقعیت‌های تلخ اجتماعی را به تصویر می‌کشد و به مخاطب این امکان را می‌دهد که درک عمیق‌تری از مشکلات و چالش‌های اجتماعی پیدا کند.

۳-۵-۲. نقد وضعیت سیاسی

اخوان ثالث در شعر «خوان هشتم» به‌طور غیرمستقیم به نقد وضعیت سیاسی نیز می‌پردازد. او با تأکید بر خیانت و ناپردباری، به چالش‌هایی اشاره می‌کند که در جامعه ایرانی وجود داشته است. شخصیت شغاد به‌عنوان نماد خیانت، می‌تواند نماینده وضعیت سیاسی‌ای باشد که در آن خیانت و عدم وفاداری به آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی، در سطح کلان وجود دارد. شغاد به‌عنوان برادر ناتنی رستم، نماد خیانت نه‌تنها در روابط خانوادگی، بلکه در سطح اجتماعی و سیاسی نیز به‌شمار می‌آید. اخوان ثالث در توصیف او می‌نویسد: «هان، شغاد! اما» (اخوان ثالث، ۱۳۹۶: ۱۰). این جمله به‌خوبی تضاد میان وفاداری و خیانت را نمایان می‌سازد و به مخاطب این احساس را منتقل می‌کند که خیانت نه‌تنها یک عمل فردی، بلکه نتیجه

روابط اجتماعی و فرهنگی است. در این راستا، ون دایک به این نکته اشاره می‌کند که «شخصیت‌ها در متون ادبی می‌توانند نمایانگر تجربیات انسانی و چالش‌های اجتماعی باشند» (Van Dijk, 1998: 45). این موضوع در شعر اخوان ثالث به‌خوبی نمایان است. رستم و شغاد به‌عنوان نمادهای دوگانگی انسانی و اجتماعی عمل می‌کنند و به مخاطب این امکان را می‌دهند که به بررسی چالش‌های انسانی و اجتماعی بپردازند.

۳-۵-۳. چالش‌های انسانی و اجتماعی

شعر «خوان هشتم» همچنین به بررسی چالش‌های انسانی می‌پردازد. اخوان ثالث با توصیف وضعیت رستم در چاه، به تصویر کشیدن تنهایی و یأس او می‌پردازد. رستم، که در چاه گرفتار شده است، نمایانگر انسانی است که در برابر چالش‌ها و مشکلات قرار دارد و تلاش می‌کند تا از آن‌ها عبور کند. اخوان ثالث در توصیف رستم می‌نویسد: «پهلوان هفت خوان، اکنون طعمه دام و دهان خوان هشتم بود» (اخوان ثالث، ۱۳۹۶: ۱۱). این توصیف به‌خوبی نشان‌دهنده چالش‌های انسانی است که رستم با آن‌ها مواجه است. این وضعیت، نمایانگر چالش‌های عمیق‌تری است که هر انسانی ممکن است در طول زندگی خود با آن‌ها مواجه شود. اخوان ثالث با این توصیف، به مخاطب این پیام را منتقل می‌کند که حتی بزرگ‌ترین قهرمانان نیز در برابر مشکلات و چالش‌ها آسیب‌پذیرند. به همین دلیل، شعر «خوان هشتم» نه‌تنها یک روایت اسطوره‌ای است، بلکه به بررسی عمیق‌تری از ابعاد انسانی نیز می‌پردازد.

۳-۵-۴. پیام اجتماعی و سیاسی

شعر «خوان هشتم» با تأکید بر مضامین انسانی و اجتماعی، به‌نوعی نمایانگر نگرش انتقادی اخوان ثالث به وضعیت اجتماعی و سیاسی جامعه ایرانی است. او با به تصویر کشیدن خیانت و مشکلات انسانی، به‌ویژه در شخصیت شغاد، به مخاطب یادآوری می‌کند که همیشه خطراتی وجود دارند که می‌توانند از درون خانواده و جامعه نشأت بگیرند. این خطرات، نه‌تنها نمایانگر چالش‌های فردی، بلکه چالش‌های اجتماعی و سیاسی‌ای هستند که می‌توانند به سست شدن بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی منجر شوند. اخوان ثالث با استفاده از زبان غنی و بلاغی، به‌خوبی احساسات و چالش‌های انسانی را به تصویر می‌کشد و به مخاطب این امکان را می‌دهد که به تفکر در مورد واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی بپردازد. این شعر به‌عنوان یک اثر ادبی، نه‌تنها داستانی از رستم را روایت می‌کند، بلکه به‌نوعی به تحلیل عمیق‌تری از وضعیت اجتماعی و سیاسی زمانه خود نیز می‌پردازد.

۵. نتیجه گیری

تحلیل گفتمانی شعر «خوان هشتم» بر اساس نظریه ون دایک نشان داد که این اثر نه تنها بازنمایی مرگ رستم در یک بستر اسطوره‌ای است، بلکه در لایه‌های زیرین خود، به واسازی گفتمان‌های مسلط اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. این شعر از طریق بهره‌گیری از تقابل‌های گفتمانی، بینامتنیت اسطوره‌ای و تصویرسازی‌های چندلایه، در تعامل با ساختارهای قدرت و ایدئولوژی قرار می‌گیرد.

در حوزه گفتمان اجتماعی، یافته‌ها نشان می‌دهد که اخوان ثالث با زبان استعاره و فضاسازی‌های نمادین، ساختارهای معیوب و بحران‌زده جامعه ایرانی را بازنمایی کرده است. او با برجسته‌سازی یأس و ناامیدی، گفتمان مسلط را به چالش کشیده و نشان داده که چگونه نابرابری‌های اجتماعی، فرد را در یک نظم از پیش تعریف‌شده گرفتار می‌کنند. استفاده از لحن حماسی، درهم آمیختگی روایت اسطوره‌ای با وضعیت معاصر و تقابل‌های معنایی، همگی در جهت ترسیم فضایی از فروپاشی اجتماعی و بی‌اعتمادی عمل می‌کنند. در حوزه گفتمان سیاسی، تحلیل روایت و کارکردهای نشانه‌شناختی نشان داد که شخصیت‌های شعر، از جمله شغاد، بازتابی از نیروهای ایدئولوژیک زمانه‌اند. شغاد، به عنوان نماد خیانت و فساد، نه تنها در سطح فردی، بلکه در سطحی کلان‌تر، بازنمایاننده سازوکارهای قدرت و مناسبات سلطه است که در ساختارهای اجتماعی و خانوادگی نیز رسوخ کرده‌اند. خیانت شغاد، در این خوانش، نه یک کنش فردی، بلکه برساختی گفتمانی است که در بستر روابط کلان‌تر معنا می‌یابد و به فرآیندهای مشروعیت‌بخشی به قدرت و سرکوب اشاره دارد.

در سطح تحلیل قدرت، نتایج این پژوهش نشان داد که زبان در این شعر نه تنها ابزار روایت، بلکه سازوکاری برای مشروعیت‌بخشی یا تضعیف گفتمان‌های مسلط است. اخوان ثالث از طریق بهره‌گیری از راهبردهای چندصدایی، بینامتنیت و تقابل‌های نشانه‌ای، بستری را فراهم کرده که در آن خواننده، ناگزیر از بازاندیشی در نظم اجتماعی و سیاسی زمانه خود می‌شود. در مجموع، «خوان هشتم» را می‌توان به عنوان متنی با دلالت‌های گفتمانی پیچیده در نظر گرفت که با رمزگذاری تقابل‌های قدرت، خیانت و وفاداری، به نقد نظام‌های سلطه می‌پردازد و خواننده را به تأمل در سرنوشت قهرمانان و انسان معاصر وامی‌دارد.

منابع

- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۹۶). آخر شاهنامه، تهران: انتشارات نگاه.
- حقوقی، محمد. (۱۳۸۹). شعر معاصر ایران: از نیمه تا امروز، تهران: نشر قطره.
- دلاویز، مسعود. (۱۳۹۱). «نگاهی به عناصر زبانی و فکری اشعار نیمایی اخوان ثالث در کتاب‌های زمستان، آخر شاهنامه، از این اوستا»، کتاب ماه ادبیات، ۱۷۷، ۱۱۳-۱۰۶.
- رحمانی‌زاده دهکردی، حمیدرضا؛ نجفی حاجی‌ور، سهیلا. (۱۳۹۵). «اخوان ثالث، فرخی یزدی، بیداری، ادبیات مشروطه و وطن‌دوستی»، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۴۳، ۶۴-۳۷.
- روزبه، محمدرضا. (۱۳۹۵). ادبیات معاصر ایران (نشر)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- زرقانی، سیدمهدی. (۱۳۸۲). «اخوان ثالث در آیینۀ آثارش». تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۳۴، ۲۰-۱.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۹۶). تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمۀ فاطمه شایسته‌پیران، تهران: سمت.
- محمدزاده، اسدالله. (۱۳۸۷). «خوان هشتم: بررسی شعری از اخوان ثالث»، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، ۸۵، ۳۳-۳۰.
- Van Dijk, T. A. (1993). Principles of Critical Discourse Analysis. Discourse & Society, 4(2), 249-283.
- Van Dijk, T. A. (1995). Discourse Analysis as a New Cross-Disciplinary Research Agenda. In: H. van den Boom, A. van Hoven, and E. van Wieringen (Eds.), Language and the Unconscious. Amsterdam: John Benjamins Publishing.
- Van Dijk, T. A. (1998). Cognitive Science and Discourse Analysis. Discourse & Society, 9(2), 243-270